

صحيفة الحسين عليه السلام

[357] از غیرت تو همه خیمه گهت سوخت * می خواست حریم تو چو بیگانه بگیرد پاس ادب
توست که عباس نگهداشت * تا دورتر از قبر تو کاشانه بگیرد چون زینب تو کیست که در قید
اسارت * دست همه اطفال تو مردانه بگیرد حیف است که آي زینت دامان پیمبر * بر نیزه،
سرت، گرد غریبانه بگیرد حیف است از آن زلف که زهرا زده شانه * سر پنجه دشمن عوض شانه
بگیرد حیف است که بر بوسه گه جد تو احمد * خاکستر و خون، روی تو ریحانه بگیرد ویرانه
بهانه است که می خواست رقیه * از چهره تو، بوسه یتیمانه بگیرد رخت بده این مرغ دل زار
" حسان " را * تا در حرم محترمت لانه بگیرد " حسان "
